START

REEL 99

National Preservation Program for Biomedical Literature:

Preservation of Persian and Arabic Medical Manuscripts

Funded in part by the
National Library of Medicine
and the
University of California at Los Angeles

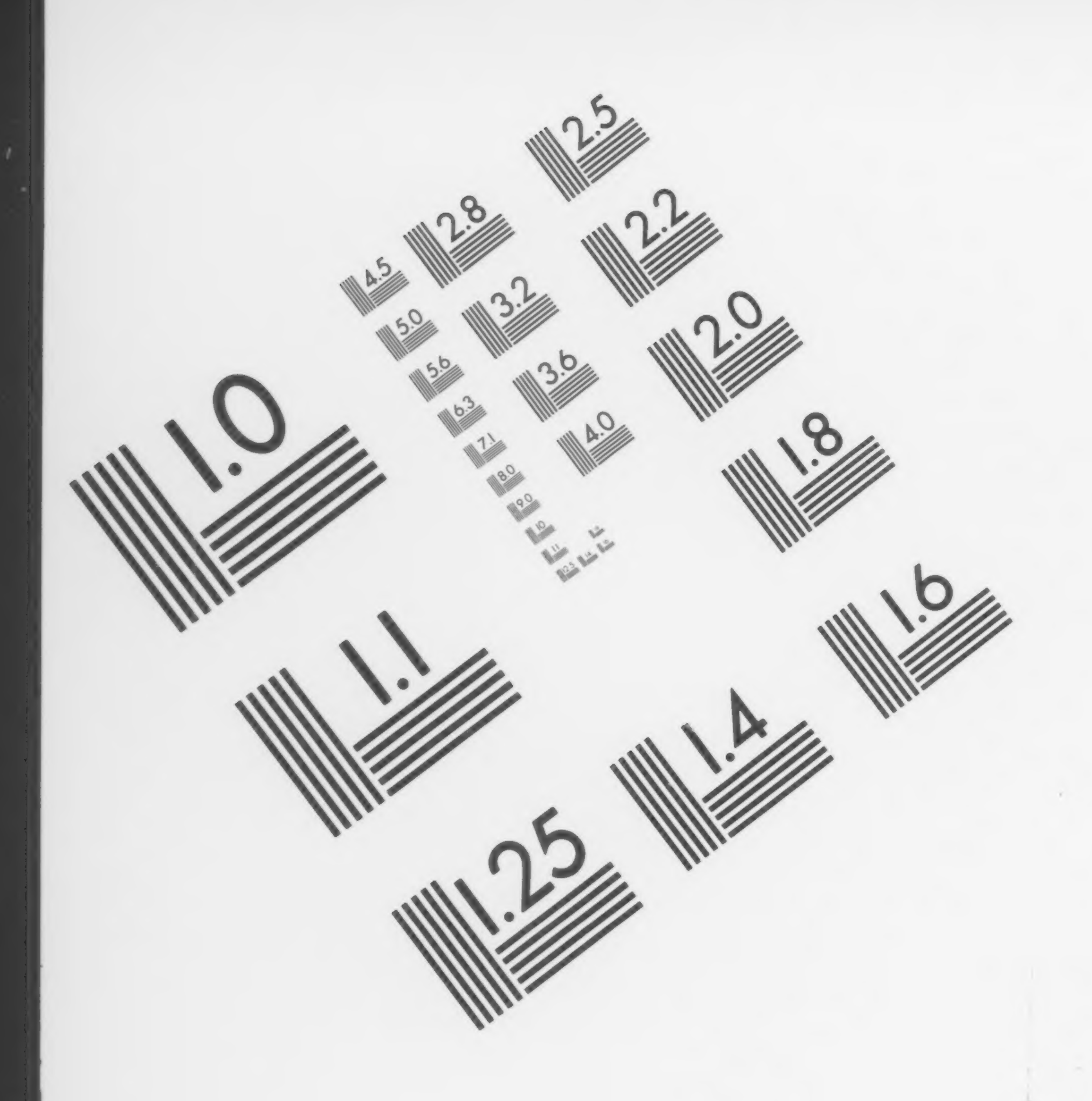
(Contract Number N01-LM-9-3534)

October 1989 - September 1990

The material on this microfilm is of varying quality. Portions of the material may be illegible due to:

Aged paper
Foxed, stained, or insect damaged paper
Water damaged paper
Glossy paper
Illegible script or faded ink

Red and purple within the manuscripts may appear paler.



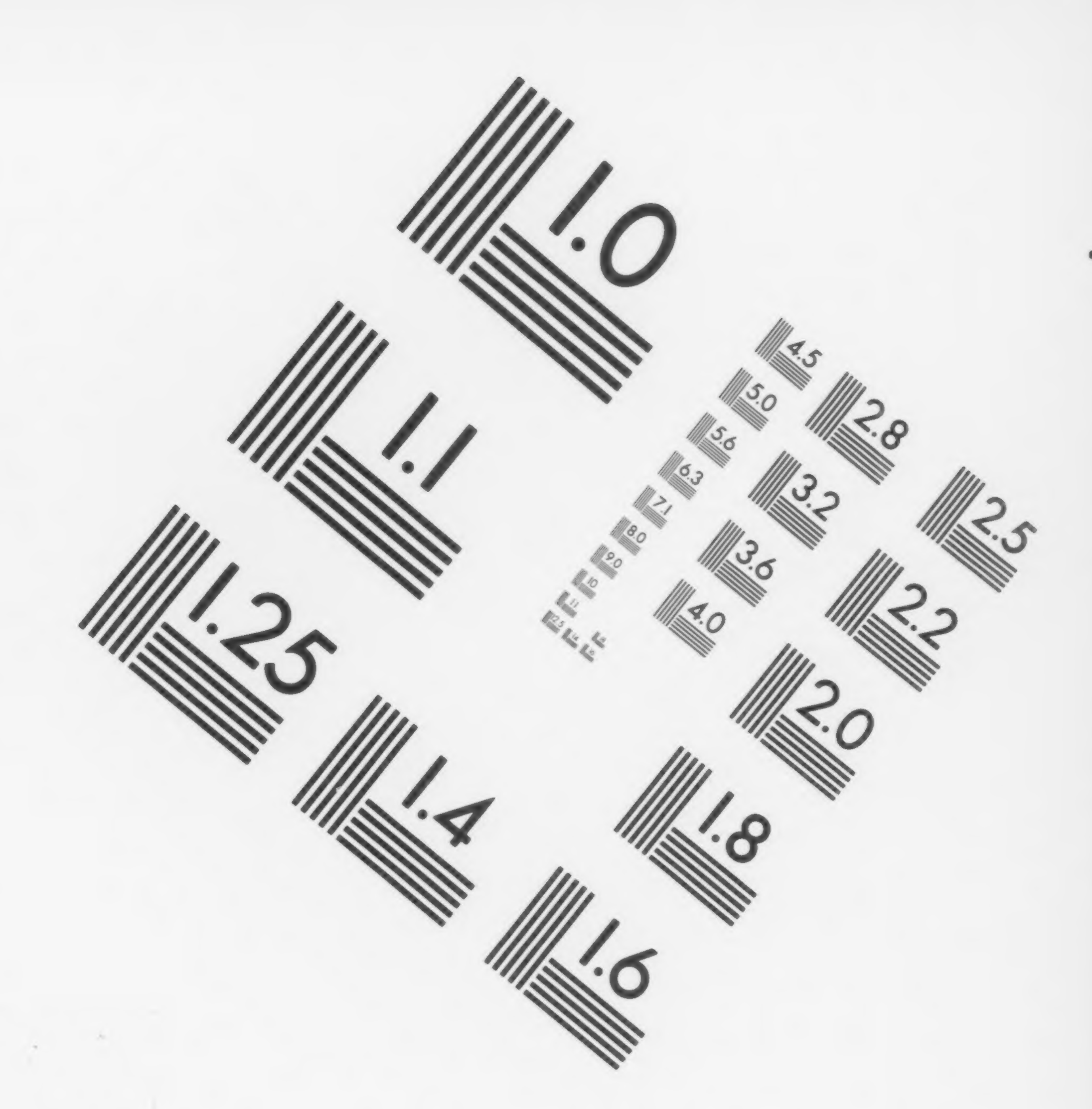


AIIM

Association for Information and Image Management

1100 Wayne Avenue, Suite 1100
Silver Spring, Maryland 20910

301/587-8202



MS303-1980

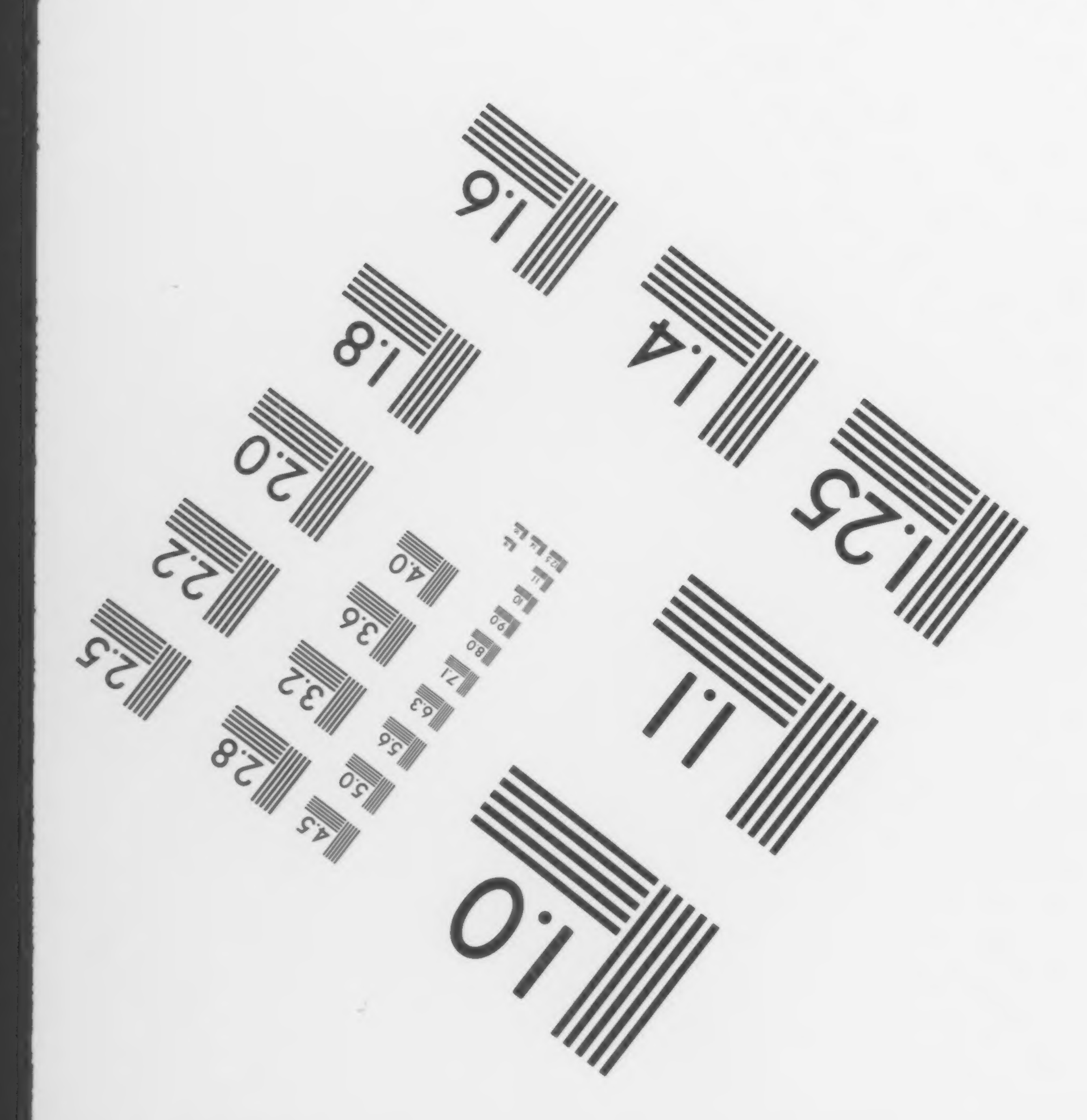
Centimeter

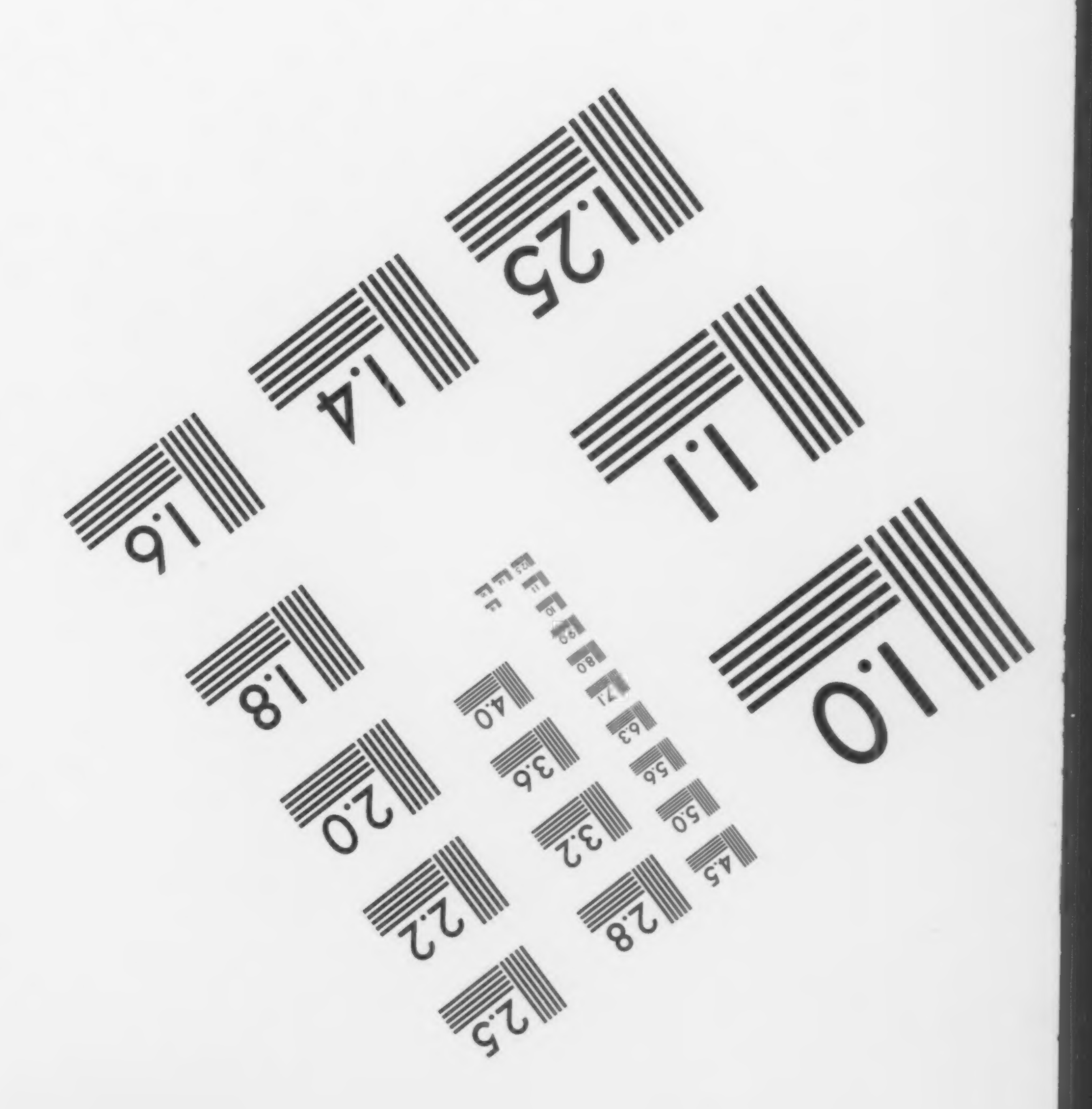
1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 mm

1 2 3 4 5

Inches

1.0 1.1 1.25 1.4 1.6 1.8 2.0 2.2 2.5 2.8 3.2 3.6 4.0 4.5 5.0 5.6 6.3 7.1 8.0 9.0





MANUFACTURED TO AIIM STANDARDS
BY APPLIED IMAGE, INC.

Los Angeles,
University of California

Louise M. Darling Biomedical Library

History and Special Collections Division

Persian Medical Manuscript Collection

(Shelved as Ms Collection 60)

*Ms.
coll. no.60
RARE

Persian medical manuscripts. -- ca. 1100-ca. 1900.
150 v. ; 15 x 8-38 x 24 cm.

Entire collection microfilmed as part of a National Library of Medicine preservation project: the preservation master negative is at NLM; the printing master negative is at the University of California's Southern Regional Library Facility; a positive copy is housed in the UCLA Biomedical Library's History Division.

Formerly a part of: Near Eastern manuscript collection, Dept. of Special Collections, University Library, University of Califonia, Los Angeles, and assigned accession no. 1117. Transferred t o the History Division of the UCLA B iomedical Library in

CLU-M ejf 891113 CLUHsl SEE NEXT CRD

*Ms.
coll. no.60
RARE

Persian medical manuscripts. ... ca. 1100-ca. 1900. (Card 2)

March, 1986.

Finding aids: Annotated and indexed list available in library: Richter-Bernburg, Lutz, Persian medical manuscripts at the University of California, Los Angeles : a descriptive catalogue (Malibu : Undena Publications, 1978)

1. Medicine, Arabic. 2. Manuscripts, Medical. I. University of California, Los Angeles. Louise M. Darling Biomedical Library. History and Special Collections Division. II. Series: Near Eastern manuscript collection ; no. 1117.

CLU-M ejf 891113 CLUHsl

Persian Medical Manuscript Collection

Ms. 101

(Richter-Bernburg No. 211)

Author: Anonymous

Title: [Noskhejāt]

20 fols., 88 x 155 mm (jong)

Ъ БРАТЬЯ

ВОЗНЕСЕНСКЪ

BLANK PAGE

وچون پخته شود ازمیان خمیر بیرون

آورند فریش را بتراشند وچهار مثقال

مغز چشم با همین اجزا بکوبند و از دادا

بیرون نمایند وهرگاه چشم چهار مثقال

باشد دارفلفل هم باید چهار نخود باشد

تریاک	مره باد
نخود	چهار نخود

مقل ازرق زعفران مجموع را با آ

مثقال ۰

خمیره بعد از آنکه کوبیده باشند ۹۸

سوزن بزنند وبر بالای غذا

و تکنند تا خودش کنده شود

چشم داخل سرکین ماده

کرده بجوشانند و بعد پوستش را

بگیرند وخشك نمایند وهمسر مغز

بادام کفعه دیا وبرابر نخود تریاك

وقرنفل که بیشتر باشد مجموع را بکوبند

وآنجا دانی بیرون نمایند وبردیده بکشند

چشم

کل کاسی مرواريد

یلتو اسادونیم

نیم آسفناج نیم مثقال

تریاك

نیم نخود

مجموع را کوبیده ایدادانی بیرون

نمایند ودر چشم بکشند اما اینوا جهت

درد چشمیست که بسیار شدت داشته باشد

لزباز زباد ملك ازرق مروه

لزنکبین عاقی جلدوار نشو

زرده تخم مرغ کاغذآبی سوخته

زرمبار زرمباد آلر آب زره

نیاد

هم معریف داده تریاك

نمك نیکی جل دوا

روشوره حمام [illegible]

4

بباید

سقباب [illegible] حرام مغز سقباب قطع

نیم [illegible] پنج استار [illegible] استار

روغن بادام [illegible] [illegible] چینی [illegible]

[illegible] استار نیم استار نیم استار چهار مثقال

[illegible] [illegible] [illegible] گل [illegible]

ده مثقال ده مثقال [illegible] مثقال

آب بسیار که بجوشش بیارند حرم مغز [illegible]

بجوشش بدهند چون از رنگ [illegible]

[illegible] مغزش را بیرون بیارند خوب [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

3

[illegible] باشد بعد [illegible]

[illegible] [illegible] کنند [illegible]

بیرون بیاورند و [illegible] بیارند [illegible]

[illegible] در آفتاب [illegible] نند

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

نکته ناخوشی باد خوره

اگر زخم در اندرون دهان و حلق [illegible]
باید داغ کنند با میل که از دواها ساخته باشند با نطرق
گل نوفر گشنیز گل سرخ داروی سبز طباشیر
شادنج پوست شلجم سوخته پوست هندوانه سوخته
انزروت چشم اگر کف دریا استخوان مرده آدمی سوخته
ریشه مرجان همه برابر و برابر همه خاک خوره
بگیرد و اکوبیده بر حریر بیخته با عرق کوکرد و سرکه کهنه
جوشیده خمیر کرده میلها بقدر انگشت طیار کرده
بگذارند خشک شود و در وقت داغ کردن یکی
از ان میلها را در نزدیک آتش بگذارند که قرمز
شود پس در میان ناشوره کرده همان موضع زخم را
[illegible]
داغ سفید برآید و اگر بر کاری نباشد بانقدر که
موضع سفید برآید حاجت نباشد و اطراف سر
و گلو را هم داغ باید یکمرتبه صبح و یکمرتبه عصر
در جاهای که چرک گرفته باشد و ناسور شده
باشد بعد از داغ فصد آدمی را [illegible] بعوض
خاک خوره داخل دواهای میل نموده بر زخم
بپاشند و در پره پنبه بعرق کوکرد تر کرده و
بر موضع که داغ کرده ببندند اگر زخم در پرده
مثل دماغ و زردی و سایر بدن باشد بعد از داغ
و پاشیدن دارو پوست پیاز را به آب [illegible]
تر کرده بر جای داغ ببندند و اگر زخم دهان و

کلو جزیه باشد کفت سرخ دکنسیر [illegible] دارد سبز
طباشیر را خوب کوفته و بیخته بر زخم بپاشند و از
دواهای که نوشته داغ نوشته شده بپاشند و قدر عرق
کوکرد داخل آب نموده با قدر از دارو بخورد و اگر
زخم بسیار است باید تا چهل روز پرهیز کند و از نمک
و سیر و پیاز و گوشت و روغن زرد نخورند و غذا
کشنیز و ترشیها و نان بی نمک و کلاپچه دهند و انها
و غیره نخورند و اگر زخم جزئی باشد تا ده روز پرهیز بس است

دوا
بهر را میانش خالی کند کنز نکین علفی شر خشت
تخم شوید و نبات زرد عسل بادرانجبویه هر را
در میان یک کوزه سر به کار محکم کرده در زیر
آتش [illegible] روز کند و در [illegible]

بکوبند بعد در میان دیگ انداخته با روغن
بادانجیر و مومیائی بخته که حب نمایند و در
روز سه کار [illegible] نماید نسخه دیگر مغز بادام
و میان کاوت خیسانده و جف خوشانیده
بگذارند تا سرد شود بعد غماق رویش را
گرفته با مغز تخم شوید باهم در میان [illegible]
بعد مغز بادام تر کرده در میان [illegible] کرد
بغلتانند بر دارند دیگر مغز نارنج دانه
شفت آلو نمک بجته خاک [illegible] کا
[illegible] تا [illegible] شیده با کنز نکین علف

از پس کار فرموده از جهت درد سر چشم شوید
سوداده با هل با نیل بهم کوبیده با زرده تخم
در شکم چسبانید خوب بمالید بعد بردارید
بار دیگر همچنین در شکم انداخته بچسبانند دیگر
آب برگ کلم و آب برگ گشنیز و آب برگ
سنکور یا تخم شوید یکی و نبات کبریکس و شیرخشت
باهم کوبیده و در میان این آب غدری
روغن بادام ریخته بجوشانند حب کرده
در سه پنج نماز یک بار بخورانند دیگر تخم کاهو
با کبریکس علف با عناب تخم گشنیز باهم بجوشانند
و بعد تخم کتان داخل نموده با روغن بادام
[illegible]
... نشت ... بجوشانند دیگر ...
... با نبات ... کرده بنوشند
عرق ... کرده ... بکوبند
و گل سرخ کشنیز را داخل نموده
در میان دیگ بجوشانند وقتی که بر روغن
آمد همان روغن را در شکم بمالند و زیر
و پارچه ای را زیر دل و شکم بر بندند
زرفت را با کلاوس بجنه در شکم پاس بالا
رسد انداخته در شکم ببندند وقتی که
که بیرون آید از همان روغن بمالند
ماش ... هر یک را جدا جدا تف داده
دو سیر ده ... ده
بعد کوبیده با زرده با روغن بادام ... تف داده
وقتی که تف خورد ... جز زنیند و قند ... اندازند

وقتی که روغن آمد بگیر کیزیان و در او بوید سیوف زیجه

دیگ را پایین بگیرند و آن خلوا ای هر زور ناشتا بخورند

زیتون موم ماسی پیاز سفید ارزنگش دانه شفتالو دانه زردآلو تلخ را بسوزانند و بکوبند روغن زیتون را بالای آتش بگذارند

که گرم شود موم ماسی را در میان انداخته تا آب شود بعد تلخ ارزنگ را بکوبند با دانه ها در میان آن ریخته حب سازند در میان پشم

سیاه کرده کار فرمایند

نسخه شیاف جهت اکثر امراض

شیرخشت هندخشت برگ کرکهن کرکهن عیفی ماب

مقل ازرق شکر تیغ مرباد چشم انزروت صبر زرد

صبر سیاه مرباد زرباد تیغ عقد زهره گاو تخم کف

سورنگان خولنجان دارشه حرم کماه اکلیل الملک

زر ریوند چینی اکلیر دانه آلو کارا دانه آلو باد

7

دانه شفتالو دانه زردالو دانه گیلاس دانه گردوس

بادام تلخ بادام شیرین دانه فندق دانه عنب السرّاع

ها کرکت تخم عود دانه نارنج مقل لک کاوه

قراقروت تخم کبر خیار کبر صابون ۳ الا

بادان انیسون عطار رجل

نسخه شربت

گل سرخ   گل گاوزبان   بادرنجبویه   آب سیب
یک استار   یک استار   یک استار   پنجاه مثقال

آب به   عود قماری   صندل سفید   مصطکی
پنجاه مثقال   سه مثقال   پنجمثقال   سه مثقال

سنبل الطیب   اسارون   بسباسه   سادج
سه مثقال   سه مثقال   دو مثقال   سه مثقال

جوش بدهد صاف کرده بعد مصطکی و طباشیر
سه مثقال

گل و غنتش   فادزهر   مروارید   یاقوت
پنجمثقال   سه مثقال   دو مثقال   دو مثقال

کهربا   شادنج   نرم بسائیده از سنگ سماق
پنجمثقال   دو مثقال

گذرانیده با ورق طلا   ورق نقره در آنها
بیست عدد   بیست عدد

داخل کرده برهم زنند قدر خوراک از سه مثقال
تا پنجمثقال بنوشند با عرق بیدمشک و خاکشیر
دو مثقال

گلنار کت فوفل جفت زنگار زمه سوخته

چوب چینی   مروارید   عدس سوخته   جو سوخته   موی
ریشه مرجان
صدف قرمز   گل ارمنی
سرطان سوخته   مازوی سوخته   خون سیاوشان
توتیا   قلم مرغ سوخته   گوشت سوخته   داروی سبز
کشنیز خشک   پوست هلیله زرد   شاخ گاوکوزن
نمک بریان   پوست انار   شنجرف   شادنج
برگ مورد   تنکار از هر کدام یکمثقال   طباشیر دو
مثقال   سماق   شکر دو مثقال مجموع را کوفته
و نسخه بر بن دندان بپاشند سنون دیگر

از جهت دندان   فوفل   مازو و پوست هلیله زرد
کزمازج   آقله مقشر   خون سیاوشان   گلنار
کهربا طباشیر قرمز از هر کدام یکمثقال کوفته
و نسخه بر بن دندانها بپاشند   مصطکی

... نقب چند وار

چند ... مروارید ... و فلفل

یکمثقال ... دو مثقال یکمثقال یکمثقال

تخم بادرنجبویه حصب النقب سنقاقل تخم بالنگو

یکمثقال دو مثقال دو مثقال دو مثقال

عود قماری کبابه چینی زعفران کوفته و بیخته

یکمثقال دو مثقال یکمثقال

با قند قوام آورده حمر کرده حب سازند قدر

خوراک چهار یک مثقال بخورند دوای دندان

شادنج زعفران طباشیر کوفته و بیخته بر بن دندان

یکمثقال یکمثقال یکمثقال

بپاشند دوای چشم گل ماشی ماميران چینی

لاسرخ سنگ سرمه دهنه فرنگ مروارید

از هر کدام یکمثقال کوفته بر روی سنگ سماق

خوب سائیده بر چشم کشند نسخه عرق [illegible]

جهت رفع رطوبت و قوت بدن بلوط

گلنار جفت بلوط کزمازج فوفل سفید

فوفل سرخ کیمخت گل سرخ گل گاوزبان

بادرنجبویه از هر کدام ده مثقال دارچینی هل

از هر یک پنج مثقال گلاب پانزده استار عرق

گاوزبان پانزده استار و پانزده استار آب

عرق بکشند قدر خوراک فنجان نسخه بهتر

نه مثقال

از جهت قوت و رفع رطوبت بدن اعلم

سه مثقال

تخم مورد اکلیل الجبار اقاقیا گلنار گل سرخ

دو مثقال هفت مثقال دو مثقال دو مثقال دو مثقال

تخم سماق [illegible] صندل سفید صندل سرخ

دو مثقال دو مثقال دو مثقال

خوب سائیده با شربت به و نبات شربت

دو مثقال نیم مثقال [illegible]

ترن قدر خوراک از سه مثقال تا پنج مثقال

نسخه معجون از جهت تقویت و قوت اعصاب

[illegible] بلوط [illegible] اعلم سه مثقال

کثیرا خشک پوست بیخ [illegible]
از هر کدام نیم مثقال خولنجان دو مثقال [illegible]
یکمثقال زیره کر[illegible] [illegible] خوراک یکمثقال
سه برابر

نسخه قرص کهربا باشد مروارید نیم سوخته شاخ
بز کوهی سوخته پوست تخم مرغ سوخته صمغ عربی
از هر یک دو مثقال کشنیز خشک بریان خشخاش سفید
گلنار از هر یک سه مثقال کوری سوخته بزر البنج
از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته بالعاب اسفرزه
قرص سازند خوراک یکمثقال با آب برگ
بارتنگ [illegible] بنوشند قرص دیگر که از
[illegible] همین با خونی نافع است کرد سماق تخم مورد
کزمازج گل ارمنی [illegible] بریان کرده بلوط
قشر ازرق پوست انار مازو از هر یک
دو مثقال کوفته و بیخته با آب برگ مورد

۱۵
قرص سازند خوراک یکمثقال
قرص جهت [illegible] اقاقیا صمغ عربی گلنار
کزمازج بلوط برنج [illegible] بریان کرده [illegible] بریان
کرده از هر کدام یکمثقال کوفته و بیخته با آب خمیر
کرده [illegible] پارها نان آغشته بردارند قرص دیگر
خرنوب [illegible] بلوط [illegible] سوخته [illegible] خون سیاوشان
طباشیر از هر کدام یکمثقال کوفته و بیخته با آب مازو
خمیر کرده [illegible] پارها نان آغشته بردارند دوای دیگر
مازو کندر پوست انار دانه [illegible] سوخته افیون
[illegible] بلوط [illegible] مس [illegible] دانه [illegible] سراب [illegible]
شراب خشک از هر کدام یکمثقال دواها را کوفته
و بیخته با آب خمیر کرده [illegible] پارها نان آغشته
بردارند و در ایام [illegible] [illegible] بردارند
و از میوه [illegible] دار [illegible] پرهیز نمایند

[illegible]

ماز و کندر پوست انار گلنار دانه لوبیای
لوبیال نخاسی صعتر بریان هفت بلوط دانه علف
شتران درد شراب هنگ از هر کدام یکمثقال
کوفته و بیخته با آب علف گوشتر خمیر کرده بشم
پارها با آب آغشته در وقت حاجت بنهم شاشف
بیشتر بکار دارند دوای دیگر مر عکاسه داب
نشاسته مرزنکوش صعتری کندر اذخر گل بنفشه
پوست انار پوستها از هر یک [illegible] دوای کوفته و بیخته
با آب به خمیر کرده با پشم پاره بردارند دوای دیگر
شکر سرمه مازو اشنج الشیخ مرخ سوخته مساوی
کوفته و بیخته با آب مورد سرشته با پشم پارهای
نان آغشته بردارند و موضع را با آب گوشتر
شسته و پشم پاره را با آن آب تر کرده بردارند
دوای دیگر جو را مقشر کرده بیخته صاف کرده
عسل در حل کرده از پس حقنه نمایند دیگر
حلبه را جوشانیده با عسل حقنه نمایند دیگر
مایه خرگوش را هر گاه بخورند چند مرتبه و سائیده
با پشم پاره دنان آغشته بردارند دیگر
آب عنب الثعلب با پشم نم کرده بردارند
قشر انار را هر کاه کوبیده جوشانیده در آب
چند دفعه بنشینند نافع است موم روغنی که از
جهت تب سوزان و درد سینه هر گاه بمالند نافع است
موم سفید یکمثقال درمیان سه مثقال روغن گل سرخ
گداخته آب کدو آب خیار آب برگ خرفه آب
برگ بید آب برگ خبازی در انجیان ریخته
بجوشانند و بر هم زنند تا آنچه آبها بخورد [illegible] بسوزد
موم روغن دیگر از جهت سرگشی و بیت [illegible] علامی
اعضا سینه [illegible] موم سفید از هر کدام قدری

دو روی پاشنه بگذارند که واشن [illegible]
بشکند با تخم هندوانه لعاب اسفرزه لعاب [illegible]
اسب چغندر آب هندوانه داخل کرده [illegible] بندها
آنها کنجک رود و بمالند جهت [illegible] بدبوی
زیر بغل و کنج ران صندل سفید سنبل الطیب
سلیخه مرصاف گل سرخ کافور کوفته و بیخته
با گلاب خمیر کرده قرص بسازند و هر وقت خواسته
باشند با گلاب سائیده بمالند و در رفع بدبوی
انگشتان با برگ سوسن تازه را بکوبند
و ببندند اما ادویه که باعث تضییق فرج میشود
دارکینه جالینوسی و هفت منفعت دارد اول
تضییق دویم تقویت عنق رحم دیگر گرمی و خوشبوی چهارم
دلکشا را انزال زن و جذب مواد از رحم و
وجذب منی هر دو [illegible] مرزنجوش
صعتر کندر اذخر گل سرخ پوست انار نرگس
از هر کدام یک مثقال با روغن گل سرخ سرشته بالته
اول روزه بردارند و شب بیرون آورند دوای
که چون بردارند جماع و ولادت باعث توسیع
نگردد دیگر بند دندان اسب پوست شغال سم بز
صعتر جوز ماثل خرچنگ موی سر همه را با هم
سوخته با روغن گل سرشته و در ماهی سه
بار بقدر یکدانگ بالته آغشته بردارند از جهت
براقی و نیکوئی رنگ و رخسار انزروت را
در زهره گاو حل کرده بر رو بمالند دیگر تخم خربوزه
مغز بادام تلخ حب محلب خاک [illegible] سیماب کوفته
با آب خمیر کرده بمالند دوای دیگر [illegible] گرسنه
نرگس تخم خربوزه تخم تربت [illegible] پوست دار
نشسته از هر یک قدری انزروت مصطکی

کوفته و بیخته با آب خمیر کرده بر روی [illegible]

شورزند طریق گرفتن عرق چینی جهت تقویت
اعضا و تفریح و تلطیف اخلاط غلیظه [illegible]
نافع است و باید هر قدر که چوب چینی باشد دو
برابر گل گاوزبان و بادرنجبویه و گل سرخ در گلاب
و آب یک شبانه روز نگه دارند و بعد عرق بکشند

عرق زردک از جهت قوت دل و دماغ
و جگر و جمیع بدن مناسب است باید بقدر ده من
زردک خوب شسته و ریزه ریزه کرده با نگین سیب
ریزه کرده در میان دیگ تازه قلعی کرده گل سرخ
بیخ اسارون دارچینی شقاقل صندل عود کشنیز ها
۱۰ ۳ ۱۰ ۲۰
نیم کوب کرده در میان دیگ بریزند و بعد عرق
بکشند حب سرفه نشاسته صمغ ع ج [illegible]

رب السوس خشخاش سفید از هر یک مساوی کوفته
و بیخته با لعاب بهدانه حب سازند حب سرفه
سرد مغز بادام مغز تخم خیار صمغ عربی نشاسته
خشخاش سفید از هر یک یک درم رب السوس دو درم
آرد باقلا سه درم کوفته و بیخته با لعاب اسفرزه
حب سازند حب سرفه گرم نوشته از [illegible]
بر سیاوشان تخم کرفس رب السوس مغز بادام
از هر یک مساوی کوفته و بیخته حب سازند
روغن مورد موی را نگه دارد و آنچه ریخته باشد
بر وی باید بگیرند آب مورد سی مثقال روغن
زیت ده مثقال و با هم بجوشانند تا نزدیک
بانکه آب برود و روغن بماند و سه مثقال
لادن در آن اندازند تا حل شود [illegible]

روغن دیگر که موی را محافظت کند بوست
هلیله کابلی مازو برگ مورد از هر یک مساوی
با آب نیم کوفته بنهند یک شبانه روز و بعد بجوشانند
و صاف نمایند دیگر روغن کنجد در آن ریزد
و در هر صد درم روغن ده درم لادن بیندازند
تا بگدازد و بعد از سر آتش فرو گیرند و شب موی
چرب کنند و صبح در حمام بشویند روغن دیگر
که موی را سیاه و دراز کند و از افتادن نگاه
دارد سادج هندی حماما حضض مکی لادن آمله
از هر یک پنج درم کوفته در نود مثقال آب
بجوشانند تا پخته شود و نود مثقال روغن
کنجد بر آن ریزند و بجوشانند تا آب بسوزد
و روغن بماند هر روز سر را با آب برگ
چغندر بشویند و از این روغن بمالند روغن دیگر
که شحم مرغ مشهور است خربوزه را سوراخ کنند
و [illegible] کنند سی عدد [illegible]
مرغ در آن ریزند با پنج استار روغن زیت
و برگ مورد کوفته و براده آهن صلایه کرده
از هر یک ده درم و سوراخ خربوزه را محکم کنند
و در گل حکمت گیرند و یک شب در تنور بگذارند
در روز دیگر بیرون آورند و گل را از آن جدا
کنند و باهم بر هم زنند و نگاه دارند و در هر
موضع که بمالند در هفته موی برویاند سنوخ که
دنبلان را از چرک پاک کنند نمک اندرانی
جو سوخته زبد البحر سماق مسحوق بالسویه کوفته
و بیخته سنون بزنند سنوخ که بیخ دندان را [illegible]

کند و خوش رفتن باز دارد و شاخ گوزن [illegible]

پوست هلیله زرد و گل سرخ گلنار از هر یک یک درم

کوفته و بیخته استعمال کنند سنونی که دندان را محکم

کند و خون رفتن را باز دارد و بوی دهن

خوش کند هلیله سیاه بلیله آمله مقشر گل سرخ

گلنار اقاقیا شب یمانی قرظ طباشیر مساوی

کوفته و بیخته سنون سازند دوای که رو را سفید

و صاف و براق گرداند آرد جو آرد باقلا آرد

نخود از هر یک یک جزو عدس مقشر کثیرا نشاسته

از هر یک نیم جزو مغز تخم خربوزه [illegible]

[illegible] هر روی مالند [illegible]

[illegible] و [illegible] گویند جواهر سرمه [illegible] را

قوت دهد و تیز گرداند سرمه اصفهانی هفت درم

[illegible]

بعد قدر آب چغندر و سرکه کهنه [illegible]

[illegible] نمایند جوشانید [illegible] باید

بعد قدر قهوه و [illegible]

داخل نمایند بعد در شب سر را چرب [illegible]

حمام رفته وقت [illegible] از حمام بیرون می آیند باز سر را

چرب کند انشاالله بد و دی خوب میشود

[illegible] زاج [illegible] سوخته [illegible] سوخته [illegible]

یک مثقال یک مثقال یک مثقال یک مثقال

حنا [illegible] [illegible] سوخته [illegible] [illegible]

یک [illegible] یک مثقال یک مثقال نیم مثقال

همه را نرم کوبیده مخلوط نما [illegible] که [illegible]

با روغن [illegible] خمیر نموده و سر [illegible] باشند

روز [illegible] که سر را خوب [illegible]

[illegible] خوب میشود

شیاف

مقل ازرق ماهی زهره سنگ بحر گل مختوم
١ ١ ١ ١

جند بیدستر اشق انزروت ابرسا
١ ١ ١ ١ ١

بابونه برنگ کابلی بوره ارمنی نمک هندی
١ ١ ١ ١

تربد سفید شحم حنظل سنای مکی بیخ بادیان
٢ ٢ ٢ ١

بیخ کرفس انیسون بادران خربق سفید
١ ١ ١ ١

گل بنفشه صبر زرد اشنان راوند چینی
٥ [illegible] ١ ١

مر باد قاقلی بهمن سرخ و سفید برمس
١ ١ ١ ١ ١

پرسیاوشان جاوشیر کلپور [illegible]
١ ١ [illegible]

[illegible] اب سکبـ[illegible]
١ ١

سنبل الطیب بوزیدان عاقرقرحا [illegible]
١ ١ ١ ١

کبابه چینی صمغ عربی فوک شبت

خوردانه بادام تلخ لک کاورد خرابیون
١ ١ ١ ١

افیون و صمغ عربی و مقل اشق انزروت

[illegible] صبر مرباد قاقلی [illegible] شیر

را در نم کرده باقی دواها را بدستور [illegible]

نموده شیاف سازند بقدر انگشت میانه

نسخهٔ سنون جهت دندان

ریشه زرشک دانه هلیله زرد سوخته شاخ گاو کوهی
١ ١ ١

ریشه مرجان چوب چینی خون سیاوشان
١ ١ ١

سعد کوفی سماق شکر سندروس زهره سوخته
١ ١ ١ ١

گلنار فارسی مروارید یاقوت مرجان
١ ١ ١ ١

نارجیل سوخته قلم مرغ سوخته فوفل
١ ١ ١

گل نسرین عقیق سوخته بشاهدانه عودی

مردارسنگ سفیداب سرب فیروزه

حضض صدف سوخته کهربا زرد

طباشیر خرنوب نبطی خاکستر تاک سوخته

اقاقیا سنگ شب صندل سفید دانه [illegible] سوخته

شنجرف توتیای مغسوله برادهٔ آهن خالدیه

بلوط سبخ گل ارمنی سنگ مرمر کف دریا

[illegible] سوخته [illegible]

[illegible] [illegible]

پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه بیخ اذخر

پنج مثقال پنج مثقال پنج مثقال

فقاح اذخر سنبل پوست بیخ کاسنی پوست بیخ کبر

سه مثقال بیست مثقال سه مثقال سه مثقال سه مثقال

گل سرخ سورنجان روناس عود بلسان

پنج مثقال سه مثقال سه مثقال ده مثقال ده مثقال

تمافت تکاعی بادآورد کاشم بیخ بنفشه

ده مثقال ده مثقال ده مثقال ده مثقال ده مثقال ده مثقال

اصل السوس لک منقی ده مثقال بعد از قوام

ده مثقال

داخل کند مصطکی عود قماری صندل سفید

سه مثقال سه مثقال سه مثقال سه مثقال

دوا‌ها را نیمکوفته یکشب با آب سحب نند بعد

جوشانیده صاف کردم نبات دوازده استار

داخل کرده بقوام آورند طریق ارشامیدن

این شربت هر روز پنج مثقال از این شربت با

داخل یک فنجان عرق گاوزبان کرده بنوشند

سه ماه مروارید ربع ماه یاقوت ربع ماه

گل داغستان نیم مثقال سابیده برویش

پاشیده یکمثقال قدومه داخل کرده بنوشند

ایضا دوای دیگر خبازی بابونه سداب

اوجوبه با آب جوشانیده بعد روغن دنبه داخل

کرده بجوشانند تا آب بسوزد بعد علف همیشه بهار

بابونه سداب با آب جوشانیده روغن بادام تلخ

داخل کرده ببندند چای خطایی بارهنگ خطایی

عرق بیدمشک آب جوشانیده تا بده استار

اید بعد بنوشند انشاءالله تعالی نافع است

شربت اسطوخودوس که منضج و ملین و مسهل

سودا و بلغم و صفرا است و دماغ را قوت

و سینه و جگر و معده و امعا را نافع است

و بادها را بشکند و ورم رحم را برطرف کند

اسطوخودوس گل بنفشه گل گاوزبان

گل بابونه رونا اذخر تخم خبازی تخم کاسنی

تخم گشنیز بادیان تخم کتان انیسون

تخم کرفس گل سرخ عناب سپستان انجیر

بیخ بادیان بیخ کاسنی بیخ کرفس بیخ کبر

دوآهای مذکور را شب در شکاره آب دم

کنند و صبح و شانیده صاف نموده با شیرخشت

ترنجبین شکر سفید بقوام آورده و

مجموره مشوی اضافه نموده روزی ده مثقال

با آب آلو بخارا و عرق کاسنی بخورند

و هر روز با آب اذخر طهارت بگیرند

بلکه اذخر را بجوشانند و در طشت کرده

تا ناف در میان آب مذکور بنشینند

و بعد از آن منقل ازرق نموده تا مدت

الستی [illegible] موم زرد

روغن کنجد لعاب تخم کتان ضماد سازند

۱۹ حل کرده بپاشند نافع باشد پوست مار

جهت بواسیر و [illegible] در زیر دود

کنند نافع است حکیم گوید طبیعت او

سرد و خشک است کمی با شراب

بپزند و در گوش چکانند درد گوش عظیم را

نافع باشد چون خشک کنند و صلایه کنند

بعمل با شراب در چشم کشند تیزی

باصره را زیاد کنند و اگر استخوان او را در زیر

فرود کنند بواسیر زایل شود [illegible] ماهی

که فرج زنان را گرم و خشک و تنگ

و خوش بوی گردانند پوست روباه

سوخته سم بز سوخته سم خر سوخته ناخن

سرطان سوخته بنفایج سوخته سعتر بری

از هر یک دو درم دوده سا کوفته بیخته

بروغن بابونه حل کرده نگاه دارد

بوقت احتیاج اندکی از وی به پشم

پاره بپیچیده فرزجه نمایند در ماهی سه

دفعه باید باین دارو عمل کنند فایده بسیار

بینند و مجرب است نوعی دیگر عاقرقرحا

عصارة اللحية التيس از هر یک دو درم

[illegible] بیخ [illegible] درم [illegible] گویند

در نیم من شراب صرف بجوشانند

وصاف کنند زن بروی نشیند [illegible] 20

[illegible] گرم و نرم

وتنگ [illegible] گردد نوعی دیگر

مازوی سبز سوخته و [illegible] سوخته و بادنجان

خشک بسایند و با آب [illegible] و گلاب

خمیر کرده بخور بسازند و پیش از مباشرت

فرزجه نماید با مرحم [illegible]

[illegible] جاری شدن شکم الفرزه را لف

داده [illegible] صاف [illegible]

[illegible] عدس صمغ عربی هر سه [illegible]

[illegible] بالای [illegible]

بعد خشته و گل بار و کشنیز و مرو و زرد چوبه

هر سه را هم خوب سلایه نموده بالای

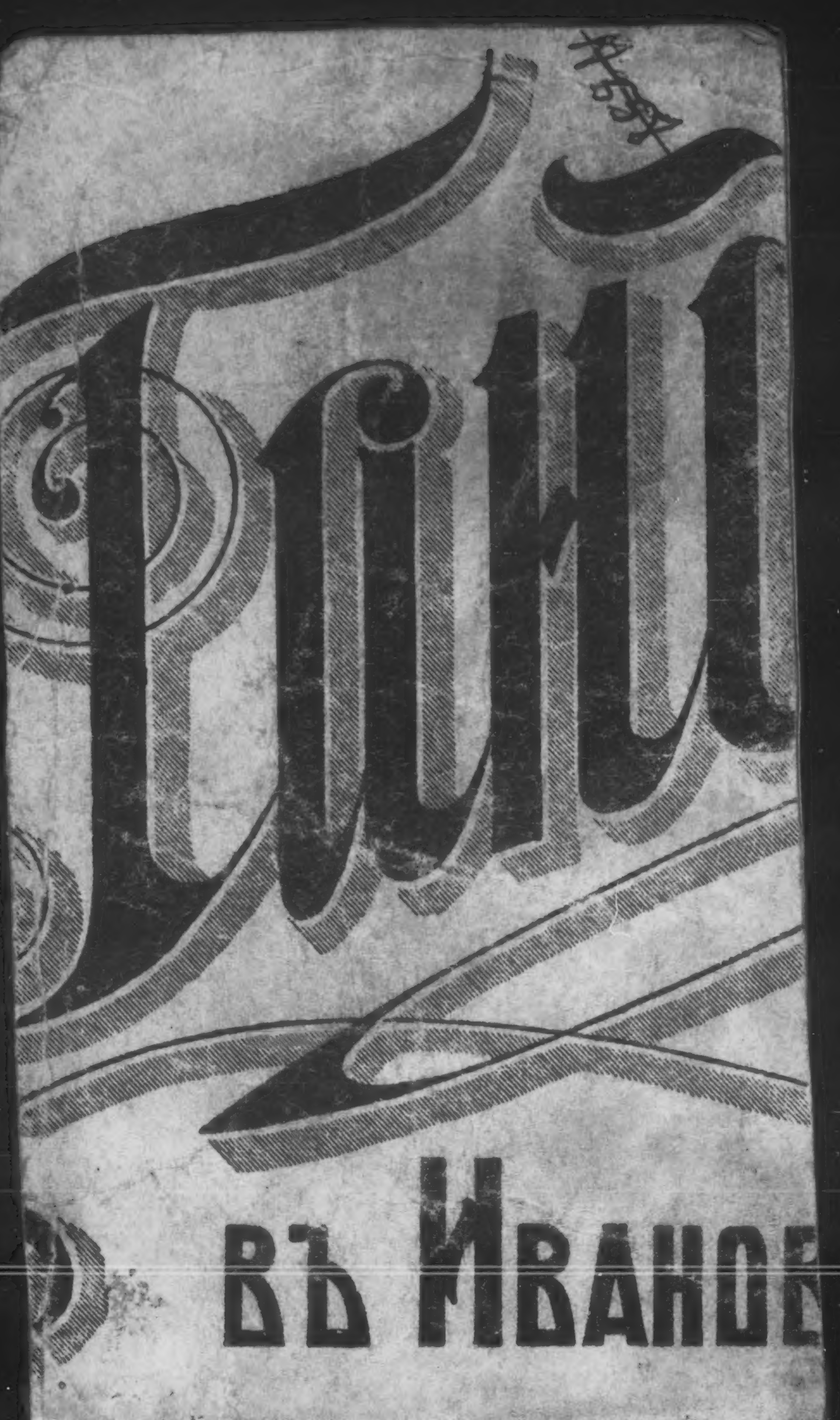
لعاب انداخته تا سه چهار یوم بنوشند

که صحیح و ازموده است

بسم الله الرحمن الرحیم

إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ

وَالنَّبِيِّينَ جَمِيعًا فِي


ВЪ ИВАНОВ



UCLA

END OF REEL
PLEASE REWIND

